



سید جواد حسینی

تعقل و مروج تفکر و اندیشه بوده‌اند. از جمله، ابوذر شاگرد تربیت شده و خردورز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیشترین اوقات خویش را صرف تعقل و اندیشه و عبرت‌اندوزی و بهره‌گیری از خرد خویش و دیگران کرد.<sup>۱</sup>

قرآن این کتاب جاوید و ماندگار الهی (به عنوان کامل‌ترین کتاب الهی و معجزه خاتم پیامبران) برای اندیشه و خردورزی و صاحبان عقل و خردورزان، ارزش زیادی قائل است، و زیباترین و رساترین سخنان را

ریشه و اساس تمام پیشرفتهای مادی و معنوی بشر در طول تاریخ، اندیشه و تعقل و بهره‌وری از خرد از یک طرف و سعی و تلاش خردورزان و عاقلان از طرف دیگر بوده است. اگر بشر قرن بیستم و بیست و یکم از نظر صنعتی و تکنولوژی به موفقیت‌های چشمگیری دست یافته، بر اثر اندیشه و تلاش بوده است؛ چنان‌که پیشرفتهای معنوی جوامع و افراد نیز بر اثر بهره‌وری از توان عقل و خرد و قدرت اندیشه و تلاش بوده است.

پیامبران، امامان، اولیاء، نخبگان و بندگان صالح الهی، همه اهل خرد و

۱. ر.ک: بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۲۲، ص ۴۳۱.

درباره ارزش دانش و تعقل و دقت و تفقه بیان کرده است. در قرآن بیش از هزار بار کلمه «علم» و مشتقات آن که نشانه باروری خرد و اندیشه است، تکرار شده و افزون بر ۱۷ آیه به طور صریح انسان را به تفکر دعوت کرده و بیش از ۱۰ آیه با حکم «انظرُوا؛ دقت کنید» شروع شده و بیش از پنجاه مورد کلمه «عقل» و مشتقات آن به کار رفته است و در چهار آیه نیز قاطعانه به تدبیر در قرآن، به عنوان بهره‌وری از عقل، امر شده است؛ چنان که در آیه‌ای از زبان اهل جهنم می‌خوانیم: ﴿وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾<sup>۱</sup> «و می‌گویند: اگر ما گوش شنوا داشتیم یا تعقل می‌کردیم، در میان دوزخیان نبودیم.» و همچنین قرآن کریم از کلمه فقه و تفقه و امثال آن بسیار بهره جسته است.<sup>۲</sup>

از طرف دیگر فقهای خردورز ما نیز عقل و خرد را یکی از چهار منبع استنباط و استخراج احکام معرفتی کرده‌اند و حکیمان و اندیشمندان اسلام نیز با بهره‌گیری از خرد و استدلالهای عقلانی، فلسفه و کلام اسلامی را در اوج

عظمت و متانت ارتقاء و صعود داده‌اند. بر توده مردم نیز لازم است که در اصول اعتقادات از خرد و عقل خویش بهره جسته، آنها را برای خود به اثبات رسانند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز به عنوان خاتم پیغمبران و عقل کل، در معرفتی خرد و خردمندان و جایگاه عقل در مکتب اسلام و آثار آن سخنان نغز و دلنشینی دارد.

اینجاست که باید گفت: سخنان کسانی که دین اسلام را غیر عقلانی قلمداد می‌کنند و احکام آن را به دور از اندیشه و عقلانیت می‌دانند، به واقع، از انصاف و خرد دور است.

در این مقال و مجال مختصر برآنیم که نگاهی گذرا به جایگاه عقل و تعقل، و اوصاف خردمندان در کلام حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله داشته باشیم. امید است که ره‌توشه‌ای باشد فراروی تمام خردمندان.

### الف. تعریف عقل

برای عقل طبق مشربها و مبانی

۱. ملک / ۱۰.

۲. آمار استخراج شده بر اساس کتاب «المعجم المفهرس» محمد فؤاد عبدالباقی می‌باشد.

روشنگر قلب (و روح) قرار داد تا در پرتو آن فرق بین آنچه که آشکار است و آنچه که پنهان است را بشناسد.»

شاید مراد این باشد که با عقل آنچه از دیده نهان است، درک می‌شود، مانند وجود خداوند متعال، واقعیت داشتن عالم آخرت و بهشت و جهنم، و... آری، وقتی عقل بر نفس و هواهای نفسانی تسلط یافت، روح و قلب انسان نیز روشن و بینا می‌شود و با واقعیات نادیدنی آشنا خواهد گشت.

#### ب. جایگاه و عظمت عقل

ارزش و عظمت عقل و خرد بر هیچ کسی پوشیده نیست. بشر در هر امری با هم اختلاف نظر داشته باشد، در ارزش عقل اتفاق نظر دارد. و از مهم‌ترین عوامل برتری انسان بر موجودات دیگر همین دارا بودن عقل

مختلف تعاریف گوناگونی ارائه شده است، اما طبق آنچه در منابع دینی آمده است، گاهی به عنوان «الْعَقْلُ مَا عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَانُ؛ عقل چیزی است که خدا به وسیله آن بندگی می‌شود.» و گاهی به عنوان حجت باطنی خداوند معرفی شده است.<sup>۱</sup>

پیامبر اکرم ﷺ در تعریف آن می‌فرماید: «إِنَّ الْعَقْلَ عِقَالٌ مِنَ الْجَهْلِ وَالنَّفْسَ مِثْلَ أَحَبِّ الدَّوَابِّ فَإِنَّ لَمْ تُعَقَّلْ حَارَتْ فَالْعَقْلُ عِقَالٌ مِنَ الْجَهْلِ؛<sup>۲</sup> همانا عقل زانسوبندی است بر نادانی. و نفس [اماره] مانند پلیدترین جانوران است که اگر پایش بسته نشود، به بیراهه می‌رود و سرگردان می‌شود. پس عقل زانوبند نادانی است.» این تعریف به نوعی همان تعریف اولی است؛ منتها با این توضیح که انسان زمانی خدایش را بندگی می‌کند که نفس اماره تحت کنترل عقل قرار گرفته باشد.

در جای دیگر فرمود: «الْعَقْلُ نُورٌ حَلَقَهُ اللَّهُ لِلْإِنْسَانِ وَجَعَلَهُ يُضِيءُ عَلَى الْقَلْبِ لِيَعْرِفَ بِهِ الْفُرْقَ بَيْنَ الْمَشَاهِدَاتِ مِنَ الْمُعْتَبَاتِ؛<sup>۳</sup> عقل نوری است که خداوند آن را برای انسان آفرید و آن را

۱. عوالی اللالی، ج ۱، ص ۲۴۸، ح ۴؛ منتخب

میزان الحکمة، ص ۳۵۸.

۲. تحف العقول، علی بن شعبه حرانی، انتشارات آل علی، ۱۳۸۲، ص ۲۸؛ منتخب میزان الحکمة، ص ۳۵۸، ح ۴۳۸۹.

۳. منتخب میزان الحکمة، محمد محمدی ری شهری، ص ۳۵۸، به نقل از الکافی، ج ۱، ص ۱۶، ح ۱۲.

بالنده و اندیشه زاینده اوست.

### ۱. عظیم‌ترین خلقت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در کلام ژرف و عمیق خویش به ارزش و قیمت عقل این چنین اشاره دارد: «وَإِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْعَقْلَ فَقَالَ لَهُ أَقْبِلْ فَأَقْبَلَ وَ قَالَ لَهُ أَدْبِرْ فَأَدْبَرَ فَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي مَا خَلَقْتُ خَلْقًا أَكْثَمَ مِنْكَ وَلَا أَطْوَعَ مِنْكَ بِكَ أُبْدِيءُ وَ بِكَ أُعْبِدُ لَكَ الثَّوَابُ وَ عَلَيْكَ الْعِقَابُ؛<sup>۱</sup> و به راستی خداوند عقل را آفرید و به او فرمود: رو کن! پس او رو کرد. سپس فرمود: برگرد! پس او برگشت. آن‌گاه خدای تبارک و تعالی فرمود: به عزت و جلالم سوگند که من آفریده‌ای از تو بزرگوarter تر و فرمانبردارتر نیافریدم. به تو آغاز می‌کنم و به تو برمی‌گردانم. معیار ثواب و کیفر تویی.»

کلمات ژرف حضرت جایی برای توضیح نمی‌گذارد و به خوبی روشن است که عظیم‌ترین موجود الهی، فرمانبردارترین خلقت خداوند، و معیار و میزان تکلیف و عقاب و ثواب، عقل خدادادی است.

### ۲. قوام انسان به عقل اوست

رکن اساسی انسانیت انسان و

ستون نگه‌دارنده دین انسان، عقل و خرد اوست؛ لذا آن پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله فرمود: «قَوَامُ الْمَرْءِ عَقْلُهُ وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ؛<sup>۲</sup> قوام (رکن نگه‌دارنده) مرد، خرد اوست و کسی که خرد ندارد، [در واقع] دین ندارد.»

### ۳. عامل تقرب

عده‌ای در محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مردی تعریف و تمجید می‌کردند تا آنجا که تمام صفات نیک او را برشمردند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «كَيْفَ عَقْلُ الرَّجُلِ؛ عقل این مرد در چه پایه‌ای است؟» در پاسخ گفتند: ای رسول خدا! ما از تلاش او در عبادت و کارهای نیک او گزارش می‌دهیم و شما درباره عقل او از ما پرسش می‌کنی! «فَقَالَ إِنَّ الْأَخْمَقَ يُصِيبُ بِحَمَقِهِ أَكْثَمَ مِنْ فُجُورِ الْفَاجِرِ وَإِنَّمَا يَرْتَفِعُ الْعِبَادَةُ عَدَا فِي الدَّرَجَاتِ وَيَنَالُونَ الرَّزْقَ مِنْ رَبِّهِمْ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ؛<sup>۳</sup> پس حضرت فرمود: شخص

۱. تحف العقول، ص ۲۸.

۲. همان، ص ۹۰؛ روضة الواعظین، ص ۹.

منتخب میزان الحکمة، ص ۳۵۷.

۳. تحف العقول، ص ۹۰؛ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۸۷.

«أَلَمْ نَأْتِكُمْ بِالْحَقِّ كَلِمَةً بِالْعَقْلِ؛<sup>۲</sup> همانا هر خیری با عقل درک می‌شود.»

### ۲. سرچشمه صفات نیک

تمام صفات اخلاقی شایسته و رفتارهای نیک و بایسته ریشه در عقل و خرد انسانی دارد. راز اینکه پیامبر اکرم ﷺ دارای خُلق عظیم و رفتار نیکو بوده، این است که برخوردار از عقل کامل بود، و این حقیقت در رفتار او تبلور یافته و در گفتار آن حضرت نیز منعکس شده است، آنجا که فرمود: از عقل، بردباری نشأت گرفت و از بردباری، دانش و از دانش، هوشیاری و از هوشیاری، پاکدامنی و از خویشتن‌داری و از خویشتن‌داری، حیاء و از حیاء، وقار و از وقار، پایداری بر کار خوب و از پایداری بر کار خوب، بیزاری از کار بد، و از بیزاری از کار بد، پیروی از اندرزگو. پس این ده نوع از انواع اخلاق نیک است و هر کدام از این ده دسته، ده نوع دیگر را در بر دارند.<sup>۳</sup>

احمق به خاطر حماقتش بیشتر ضربه می‌خورد تا شخص فاجر (و بدکار) به خاطر فجورش و همانا مردم در فردای قیامت به اندازه خردشان به درجات برآیند و به پروردگارشان تقرب یابند.» به این نکته نیز باید توجه نمود که رفتار نیک انسان در ازدیاد و شکوفایی خرد نقش تعیین‌کننده‌ای دارد؛ چنان که رفتار نادرست در عدم رشد آن سهم می‌باشد. به همین جهت، پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «وَالْعَقْلُ يَنْهَاهُ اللَّهُ السُّعْدَاءَ وَيَحْرِثُهُ الْأَشْقِيَاءَ؛<sup>۱</sup> خداوند عقل را به نیک‌بختان دهد و از بدبختان [بر اثر رفتار شقاوت‌آورشان] دریغ نماید.»

### ج. موجب کمال و سعادت

از مطالب پیش گفته، اشاراتی به کمال‌زایی و سعادت‌آفرینی عقل به دست آمد، ولی از آنجا که نقش عقل در کمال و سعادت انسان نقش کلیدی است، نکات بیشتری را از کلمات رسول اعظم اسلام ﷺ در این باره بیان می‌داریم.

#### ۱. منشأ تمام خوبیها

آن حضرت در این باره می‌فرماید:

۱. تحف العقول، ص ۴۸.

۲. همان، ص ۹۰.

۳. تحف العقول، ص ۲۸.

عنوان ثمر عقل] دوست صادق مؤمن است و بردباری وزیر اوست و عقل راهنمایش.»

در حدیث دیگر فرمود: «إِسْتَرِشِدُوا الْعَقْلَ تَرشِدُوا، وَلَا تَغْضَوْهُ فَتَنْدَبُوا؛<sup>۴</sup> از عقل ارشاد بخواید که هدایتان می‌کند و از فرمان عقل سرپیچی نکنید که پشیمان می‌شوید.»

#### د. برترین عقلها

عقل انسان دارای مراتب و درجاتی است. برترین عقلها، آن است که انسان را به سوی اهداف نورانی هدایت کند. و شناخت انسان را نسبت به خالق هستی، جهان‌شناسی، و انسان‌شناسی بیشتر سازد. در این میان، شناخت خداوند و درک عظمت او و در نتیجه، اطاعت و فرمانبری او، از جایگاه ویژه برخوردار است. حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله با توجه به این نقش عقل، می‌فرماید: «أَكْمَلُ النَّاسِ عَقْلًا

و ارزش اصلی آن اوصاف اخلاقی این است که ریشه در عقل و خرد دارد، وگرنه صرف بروز اوصاف نیک نمی‌تواند مظهر ارزش باشد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «الْحَيَاءُ حَيَاءُ إِنْ حَيَاءٌ عَقْلٍ وَ حَيَاءٌ حَمَقٍ فَحَيَاءُ الْعَقْلِ الْعِلْمُ وَ حَيَاءُ الْحَمَقِ الْجَهْلُ؛<sup>۱</sup> حیا دو گونه است: حیا خردمندانه، و حیا احمقانه. پس حیا خردمندانه [نشانه] دانش است و حیا احمقانه [از سر] نادانی است.»

#### ۳. راهنمای انسان

عقل حجت باطنی الهی است که دست انسان را در بسیاری از امور گرفته، به سوی حقیقت و راستی رهنمون می‌سازد، و اینکه می‌بینیم بسیاری از انسانها با داشتن عقل به بیراهه می‌روند، رازش این است که عقل آنها در گرو هوس قرار گرفته است که «كَمْ مِنْ عَقْلٍ أَسِيرٌ تَحْتَ هَوَىِّ أَمِيرٍ؛<sup>۲</sup> چه بسیار عقلی که زیر سلطه هوس به گرو رفته است.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره نقش هدایتی عقل فرمود: «الْعِلْمُ خَلِيلُ الْمُؤْمِنِ وَالْعِلْمُ وَزِيرُهُ وَالْعَقْلُ دَلِيلُهُ؛<sup>۳</sup> دانش [به

۱. همان، ص ۷۴.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۲۱۱.

۳. تحف العقول، ص ۷۶.

۴. بحار الانوار، ج ۱، ص ۹۶، ح ۵۱؛ کنز الفوائد، ص ۱۹۴؛ الحکم الزاهره، ج ۱، ص ۱۶.

پایداری نمودن بر فرمان خدا.»

### ه نشانه‌های خردورزان

بسیارند کسانی که ادعای خردورزی می‌کنند و گاه خود را برترین خردورز معرفی می‌کنند، در حالی که هر مدعی خردی، نمی‌تواند خردورز باشد. چه بسیار کسانی هستند که به جای عقل، از شیطنت و حيله گری برخوردارند و همچون عمر و عاص برای هر کاری، حيله‌ای و برای هر حقی، باطلی و برای هر راستی، دروغ پیش ساخته‌ای دارند؛ این افراد هرگز از نظر دینی خردمند و عاقل به حساب نمی‌آیند. برای تشخیص این امر، رسول هدایت، حضرت محمد ﷺ نشانه‌های خردمندان را به جامعه و مردم معرفی کرده است که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود.

#### ۱. حلم و تواضع و تدبیر

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: صفت

أَخْوَفُهُمْ لِلَّهِ وَأَطْوَعُهُمْ لَهُ وَأَنْقَضَ النَّاسَ عَقْلًا  
أَخْوَفُهُمْ لِلسُّلْطَانِ وَأَطْوَعُهُمْ لَهُ؛<sup>۱</sup> کامل‌ترین  
مردم از لحاظ خرد، خدا ترس‌ترین و  
فرمانبردارترین آنان از خداست و  
کم‌خردترین مردم، بیمناک‌ترین و  
فرمانبردارترین آنان از سلطان  
[ستمگر] است.»

عقل هر چه بیشتر با خدا آشنا  
شود و از او اطاعت و پیروی نماید،  
رشد بیشتری خواهد کرد و به اوج  
کمال خود خواهد رسید. امام  
حسین علیه السلام فرمود: «لَا يَكْمُلُ الْعَقْلُ إِلَّا  
بِاتِّبَاعِ الْحَقِّ»<sup>۲</sup> عقل کمال نخواهد یافت،  
جز با پیروی کردن از حق [و خداوند  
متعال حق مطلق است].»

پیامبر اکرم ﷺ در این زمینه  
فرمود: «قَسَمَ اللَّهُ الْعَقْلَ ثَلَاثَةَ أَجْزَاءٍ فَمَنْ كُنَّ  
فِيهِ كَمَلُ عَقْلِهِ وَمَنْ لَمْ يَكُنْ فَلَا عَقْلَ لَهُ: حُسْنُ  
الْمَعْرِفَةِ بِاللَّهِ وَحُسْنُ الطَّاعَةِ لِلَّهِ وَحُسْنُ الصَّبْرِ  
عَلَى أَمْرِ اللَّهِ»<sup>۳</sup> خداوند عقل را سه  
قسمت کرد که هر کس همه آنها را  
داشته باشد، عقل او کامل است و هر  
کس همه را دارا نباشد، از عقل بی‌بهره  
است: خوب شناختن خدا، و نیکو  
اطاعت کردن برای خدا، و خوب

۱. همان، ص ۸۴

۲. اعلام‌الدین، ص ۲۹۸؛ منتخب میزان الحکمة،  
ص ۳۵۹، ح ۴۴۰۵.

۳. تحف العقول، ص ۹۰.

خردمند این است که در برابر برخورد جاهلانه، بردباری پیشه سازد و از کسی که به او ستم کرده، درگذرد و نسبت به زبردست خویش فروتن باشد و بر بالادست خود در دست یافتن به کار نیک، سبقت گیرد و هرگاه بخواهد سخن گوید، تدبر کند، اگر خیر است، بگوید و سود برد و اگر آن سخن بد است، خاموشی گزیند تا سالم بماند و چون با فتنه‌ای مواجه شود، به خدا پناه برد و دست و زبانش را نگاه دارد و چون فضیلتی بیند، آن را غنیمت شمارد. شرم و حیاء از او جدا نشود و حرص و آزمندی از او بروز نکند. پس اینها ده خصلت است که خردمند به وسیله آنها شناخته می‌شود.<sup>۱</sup>

به راستی اگر در فردی اوصاف دهگانه فوق جمع شود، آن فرد از هر جهت ساخته شده است و اگر جامعه‌ای از چنین افرادی تشکیل شود، قطعاً جامعه‌ای سعادت‌مند و خوشبخت خواهد بود.

### ۲. اطاعت خدا

یکی از مشکلات جدی جوامع بشری، مخصوصاً جوامع دینی،

منحرف شدن واژه‌ها از مفهوم و معنای خود است. با انحراف واژه‌ها و ارائه تفسیر ناصحیح از آنها مردم نیز به انحراف کشیده می‌شوند.

نقل شده که مردی مسیحی اهل نجران وارد مدینه شد که دارای زبان گویا و رفتاری باوقار و پرهیت بود. کسی گفت: ای رسول خدا! این مرد مسیحی چه خردمند است! پس آن حضرت گوینده را از این سخن منع کرد و فرمود: «خاموش باش! خردمند کسی است که خدا را یگانه شمارد و در طاعت او کوتاهی ننماید.»<sup>۲</sup>

### ۳. فراگیری علم و نشر آن

یکی دیگر از نشانه‌های خردمندان، فراگیری علم و دانش است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در همین راستا فرمود: «أَزْبَعَةُ تَلَزَمَ كُلَّ ذِي حِجْبٍ وَ عَقْلٍ مِنْ أُمَّتِي، قَبْلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا هُنَّ؟ قَالَ: اسْتِمَاعُ الْعِلْمِ وَ حِفْظُهُ وَ نَشْرُهُ وَ الْعَمَلُ بِهِ»<sup>۳</sup> چهار چیز است که هر هوشمند و خردمندی از امت من باید به

۱. تحف العقول، صص ۴۸ - ۵۰؛ منتخب میزان

الحکمة، ص ۳۵۹.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۶۰، ح ۱۴۶.

۳. تحف العقول، ص ۹۴.



آنها پایبند باشند. عرض شد: ای پیامبر خدا! آنها چیست؟ فرمود: شنیدن علم، حفظ آن، نشر آن، و عمل نمودن به آن.»

#### ۴. مدارای با مردم

قطعاً زندگی در جوامع امروزی با تنشها و برخوردهای ناروا همراه است، مخصوصاً برای کسانی که در رأس هرم هدایت مردم قرار دارند. نیشها و انتقادهای تند و زننده، همیشه انسان را آزار می‌دهد. آنچه رنج این گونه برخوردها را کم می‌کند، مدارا و گذشت است. از این رو، یکی از اوصاف خردمندان این است که اهل مدارا و سازگاری با مردم هستند.

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ مَدَارَةُ النَّاسِ فِي غَيْرِ تَرْكِ حَقٍّ»<sup>۱</sup> سرلوحه عقل پس از ایمان به خدا، مدارا کردن با مردم بدون فاصله گرفتن از حق می‌باشد.»

و چه زیباست سروده حافظ که می‌گوید:

آسایش دوگیتی تفسیر این دو حرف است

با دوستان مروت با دشمنان مدارا

#### ۵. دوری از دنیا و آمادگی برای آخرت

بی‌شک هر انسانی که کمترین

بهره‌ای از عقل داشته باشد، منافع خود را تشخیص می‌دهد و سعی می‌کند همیشه راهی را انتخاب کند که به بیشترین و بهترین و بادوام‌ترین منفعت منتهی شود. این مطلب در منافع مادی به خوبی برای همه قابل تشخیص و انتخاب است؛ اما آنچه که به عقل ژرف‌اندیش نیاز دارد، تشخیص برتری آخرت بر دنیا و بی‌بها دانستن دنیا در مقابل بهشت و نعمتهای جاودان آن است. این را فقط خردمندان راستین درک می‌کنند و از خدا نیز تمنا دارند.

رسول اکرم ﷺ در این زمینه فرمود: «الْأَوَّلُ مِنَ عَلَامَاتِ الْعَقْلِ التَّجَافِي عَنْ دَارِ الْغُرُورِ وَالْإِنَابَةَ إِلَى دَارِ الْخُلُودِ وَالتَّزَوُّدَ لِسُكْنَى الْقُبُورِ وَالتَّأَهُبَ لِيَوْمِ النُّشُورِ»<sup>۲</sup> بدانید به راستی از نشانه‌های خرد دوری کردن از [دنیا و] خانه غرور و بازگشت به سوی خانه جاودان (آخرت) و زاد و توشه فراوان تهیه کردن برای سکونت در قبر و آمادگی برای روز حساب (و قیامت) است.»

۱. همان، ص ۶۸.

۲. اعلام‌الدین، ص ۳۳۳؛ منتخب میزان الحکمة، ص ۳۶۰.